آسیب های مادی و معنوی اسراف

پدید آورنده : سید حسین اسحاقی ، صفحه 14

اسراف و معیارهای تشخیص آن

یکی از آسیب های مهم بر فرد و جامعه اسراف و زیاده روی است که پیامدهای منفی و گاه خطرناکی، چه در بُعد اقتصادی و چه در بعد اخلاقی بر جای می گذارد. اسراف، در اصل به معنای تجاوز از حد وسط است. مفهوم و گستره معنایی این واژه در قرآن کریم، همان معنای لغوی آن است. راغب اصفهانی می گوید: «سَرَف» تجاوز از حد در هر کاری است که آدمی انجام می دهد». واژه «تبذیر» نیز، پراکنده ساختن و جدا کردن چیزی است که به تدریج در معنای مجازی نابود کردن و هدر دادن مال و در تعبیر عامیانه «ریخت و پاش» به کار رفته است.

بنابراین، اسراف معنای نزدیکی با تبذیر دارد؛ با این تفاوت که اسراف، بیشتر زیاده روی در مصرف است، ولی تبذیر، هدر دادن مال و اتلاف آن است. همچنین گستره اسراف، تمام افعال آدمی را در بر می گیرد، در حالی که گستره تبذیر، اختصاص به امور مالی دارد. هر چند در روایت ها گاهی در یک معنا هم به کار می روند.

تشخیص تبذیر به معنای هدر دادن و اتلاف ثروت و کالا دشوار نیست، ولی تشخیص اسراف به معنای تجاوز از حد و گذر از میانه روی و رسیدن به افراط گرایی دشوار است؛ زیرا باید حد معتبر و محکم در اسراف را با ملاک ها و معیارهایی سنجید.

از نگاه قرآن و روایت های پیشوایان دین، تمام واجبات و محرمات دینی، حدود الهی است و هرگونه تغییر در احکام یا عمل نکردن به آن، خروج از حد و ممنوع است. البته کاربرد قرآنی این واژه بسیار فراوان است، برای مثال: اسراف در قتل؛ یعنی قصاص فرد یا افرادی غیر از قاتل (آل عمران: 3) که خود تجاوز از حد الهی قصاص است. بنابراین، مصرف هر گونه کالایی که حرمت شرعی دارد، نوعی اسراف است. از سوی دیگر، تشخیص موضوع های گوناگون احکام، بیشتر به عهده عرف و مکلف گذاشته شده است؛ در عین حال، برای ضابطه مند کردن تشخیص عرفی، معیارهایی ارائه شده است. اول این که، هرگاه مصرف کالا به گونه ای باشد که بخشی از آن هر چند اندک تضییع شود، اسراف خواهد بود. در این مورد امام صادق «علیه السلام» فرموده است:

«میانه روی چیزی است که خدای بزرگ و والا آن را دوست دارد و اسراف را ناخوش، حتی دور انداختن هسته [خرما و میوه [را؛ زیرا آن نیز به کاری می آید و حتی دور ریختن ته مانده نوشیدنی ات را.»

معیار دوم این که، هرگاه مصرف کمی یا کیفی کالا برای بدن زیان بار باشد، در صورت مصرف، گونه ای از اسراف است. چنان که این مهم، از سخن امام صادق «علیه السلام» نیز به روشنی بر می آید: «در مصرف آنچه بدن را سالم نگه می دارد، اسراف نیست. بلکه اسراف در چیزی است که مال را تباه می سازد و به بدن زیان رساند.»

استفاده از امکانات مادی بیش از نیاز، به عنوان معیار سوم مطرح است، مانند خوردن بیش از اندازه نیاز یا ساختن منزلی بسیار وسیع که به همه آن به هیچ وجه نیازی نیست. این سخن امیر مؤمنان علی «علیه السلام» نیز ناظر به همین معیار است: «ما فوقُ الکفافِ اسرافٌ؛ «بیش از اندازه کفاف، اسراف است».

اسراف در خوردنی ها و نوشیدنی ها

روایت های اسلامی از زیاده روی در مصرف آب و به ویژه هدر دادن آن نهی کرده اند؛ چنان که امام صادق «علیه السلام» می فرماید: «أدْنی الاسرافِ هراقةُ فَضْلِ الماء»؛ «کمترین حد اسراف، دور ریختن ته مانده آب [ظرف[ است.»

از برخی روایت ها بر می آید که اسراف آب، حتی در امور عبادی همچون وضو و غسل، خواه با هدر دادن آب و خواه با زیاده روی در شست و شوی اعضا ممنوع است؛ هر چند از آب رودخانه و آب های کشاورزی باشد. در همین مورد آمده است که پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» از کنار شخصی که وضو می گرفت، عبور کرد و فرمود: این اسراف برای چیست؟ آن شخص گفت: آیا در وضو هم اسراف است؟ فرمود: آری، اگر چه کنار نهری جاری باشی. در قرآن نیز با اشاره به حق آدمی در استفاده از غذا و آب، بر این نکته تأکید شده است که در این امر، هرگز اسراف و زیاده روی نشود: «وَکُلُوا و اشْرَبُوا وَ لا تُسْرِفُوا» (اعراف: 7).

آموزه های روایی نیز به این دستور قرآنی توجه کرده و آورده اند که: پرخوری و اسراف در خوردن، در پیشگاه پروردگار نکوهیده است و رحمت الهی را از آدمی دور می سازد.

اسراف در پوشیدنی ها و وسایل نقلیه

لباس، ارمغانی الهی و مایه آراستگی و پوشش آدمی است و آموزه های دینی بر میانه روی در استفاده از آن تأکید ورزیده و تجاوز از آن را اسراف دانسته اند. در این آموزه ها درباره چگونگی استفاده از لباس، سفارش هایی شده است. شخصی می گوید: به امام صادق «علیه السلام» عرض کردم: آیا مؤمن می تواند ده پیراهن داشته باشد؟ فرمود: بله. گفتم: بیست عدد چطور؟ فرمود: بله، گفتم: سی تا؟ فرمود: بله این اسراف نیست، اسراف آن است که لباس بیرونت را لباس خانه قرار دهی.

مصرف نادرست کالا، نوعی از اسراف است به گونه ای که امام صادق «علیه السلام» ما را به این امر توجه می دهد و در روایت بالا می فرماید: لباس بیرونت را که با آن در اجتماع حاضر می شوی، لباس خانه ات قرار نده. البته داشتن لباس به تعداد کافی، مایه دوام بیشتر آن می شود، ولی استفاده نابه جا از آن، نوعی هدر دادن و مصداق اسراف است. مَرکب و وسیله نقلیه نیز ممکن است از نظر کمیت و کیفیت به کارگیری، مصداقی برای اسراف باشد. امام صادق «علیه السلام» به زیبایی آن را بیان فرموده است:

«و خداوند تجویز کرد که مردم در حد میانه از مرکب استفاده کنند. آیا چنین می پنداری که خداوند، مالی را نزد مردی امانت می نهد و آن گاه به وی اجازه می دهد تا اسبی به ده هزار درهم بخرد، در حالی که اسبی به بیست درهم، او را کافی است. مگر نه این است که خود فرمود: اسراف مکنید که او اسراف کاران را دوست ندارد!»

اسراف در مسکن و وسایل زندگی

از دیدگاه قرآن و روایت، احداث بناهایی که ثمره چندانی ندارد، کاری عبث و بیهوده معرفی شده است. در حدیثی آمده است که روزی رسول خدا «صلی الله علیه و آله» از گذرگاهی می گذشت، چشمش به ساختمانی افتاد که یکی از انصار ساخته بود. هنگامی که صاحب آن بنا نزد حضرت آمد و سلام کرد، ایشان صورت خود را از او برگردانید. پس از آن که وی علت بی اعتنایی حضرت را دریافت، برگشت و بنا را با خاک یکسان کرد، در پی این جریان رسول خدا «صلی الله علیه و آله» فرمود: «اِنَّ لِکُلِّ بناءٍ یُبْنی وَبالٌ علی صاحِبِه یَومَ القیامَةِ اِلا ما لابُدَّ مِنْهُ»

«بی تردید، هر بنایی که ساخته شود، روز قیامت باری بر دوش صاحبش خواهد بود؛ مگر آنچه گریزی از آن نیست (مورد نیاز وی است».

از امام صادق «علیه السلام» نیز در همین باره نقل است:

«کُلُّ بَناءٍ لَیْسَ بِکَفافٍ فَهُوَ وَبالٌ عَلی صاحِبِه یَومَ القیامَةِ.»

«هر ساختمانی که بیشتر از حد کافی باشد، روز قیامت وبال صاحبش خواهد بود.»

بنابراین، ساختن بناهایی که از نظر کمی و کیفی به آن نیازی نیست، مصداق اسراف خواهد بود. البته، منظور این نیست که اگر کسی به ساختمانی وسیع برای پذیرایی مهمانان و پیوند با خویشاوندان خود نیاز دارد، از آن استفاده نکند. در تهیه و مصرف دیگر وسایل زندگی نیز باید حد اعتدال را رعایت کرد. جمع آوری وسایل غیر ضروری و کم مصرف، نادرست و از مصداق های آشکار اسراف است. در روایات اسلامی، معیاری مشخص برای استفاده درست از دیگر امکانات زندگی معرفی شده است. امام صادق «علیه السلام» در روایتی می فرماید:

«فِراشٌ للرجلِ و فِراشٌ لأهْلِه و فِراشٌ لِضَیْفِهِ وَ فِراشٌ لِلشیطان.»

«رختخوابی برای مرد و رختخوابی برای خانواده اش و رختخوابی برای میهمانش لازم است و رختخواب اضافه از آنِ شیطان است.»

آنچه مسلم است این که باید از نظر کمی و کیفی، استفاده از امکانات به گونه ای باشد که معیارهای اسراف بر آن صدق نکند.

انباشت سرمایه، به تدریج انسان را در معرض خطر روحیه رفاه زدگی و تجمل گرایی قرار می دهد و در جای جای زندگی نمود می یابد. یکی از این نمودها، استفاده نابه جا از نور و چراغ است که نمونه ای از تجمل و اسراف به حساب می آید. امام کاظم «علیه السلام» به نقل از حضرت علی «علیه السلام» می فرماید: «پنج چیز ضایع می گردد، یکی از آن ها چراغی است که آن را در [نور [خورشید برافروزی و نوری که از آن استفاده نشود».

بنابراین، استفاده غیر ضروری از نور و روشن کردن لامپ های اضافی، از مصداق های آشکار تجمل گرایی و اسراف به حساب می آید. اسراف به هیچ وجه استثناپذیر نیست و حتی در هزینه کردن دارایی برای کارهای خیر نیز باید متعادل بود و از حد میانه خارج نشد. گفتنی است که مال و ثروت به طور طبیعی، زمینه ساز رفاه زدگی و هواپرستی است.

اسراف و نابودی امکانات

آشکارترین اثر نامطلوب اسراف و تبذیر، هدر دادن امکانات و منابع است. ممکن است از نگاه فردی و محدود، اسراف در کالاهایی همچون مواد غذایی و انرژی، ناچیز و بی اهمیت به حساب آید، اما روی هم رفته در سطح عمومی، خسارت های سنگینی به بار می آورد. اثر مستقیم این رویه، به ویژه در جوامعی که درآمد و امکانات محدودی دارند، فقر و محرومیت است. از این رو، رسول خدا «صلی الله علیه و آله» می فرماید: «مَن بَذَّرَ أفْقَرَهُ اللّه»؛ «هر کس [در اموالش [اسراف و تبذیر کند، خداوند وی را فقیر سازد».

همچنین، امیر مؤمنان علی «علیه السلام» فرموده است: «القصد مَثْراةٌ وَ السَّرْفُ مَثْواةٌ»؛ «میانه روی، ثروت زاست و اسراف، نابود کننده».

بر اساس آموزه های دینی، اسراف و تبذیر، از گناهانی است که نعمت را به نقمت و بلا تبدیل می کند و برکت را از میان می برد. امام صادق «علیه السلام» داستان کسانی را بازگو می کند که در رفاه و نعمت و فراوانی به سر می بردند، ولی با اسراف و تبذیر در مواد غذایی و استفاده نادرست از آن، به فرمان خدا گرفتار بلاهای زمینی شدند و به مشقت افتادند. امام فرمود: اینان، اهالی همان آبادی اند که خداوند در این آیه از آنان یاد فرموده است:

و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود و روزی اش از هر سو فراوان می رسید. پس، ساکنانش نعمت های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای آنچه انجام می دادند، طعم گرسنگی و هراس را به ایشان چشانید. (نحل: 112).

با نگاهی دقیق تر پی می بریم که در بعضی از موارد، عرضه نادرست کالا بر اثر ضعف وجدان کاری و نیز کوتاهی در انجام وظیفه، باعث دور ریز و اتلاف اموال می شود. امام علی «علیه السلام»، غلامان را به دلیل پخت نان با کیفیت پایین، سرزنش می فرمود. بنابراین، در آموزه های روایی بر تولید کالا به گونه ای که کمترین ضایعات را داشته باشد، تأکید شده است. رسول خدا «صلی الله علیه و آله» دستور می داد اندازه نان را کوچک بگیرند تا دور ریز آن کمتر باشد.

اسراف و سقوط اخلاقی

اسراف کاران برای تأمین هزینه های خود، به رذیلت های اخلاقی، همچون بخل و حرص و مفاسد اقتصادی مانند ربا، رشوه و اختلاس گرفتار می شوند. معمولاً اسراف با مصرف گرایی، رفاه زدگی و غرق شدن در لذات مادی و اتراف همرا است که خود منشأ بسیاری از مفاسد اخلاقی و اجتماعی است و در پاره ای از موارد، به انحراف های عقیدتی می انجامد. افزون بر آن، اسراف کاری عده ای در جامعه، به طور طبیعی بر دیگران تأثیر نامطلوب می گذارد و آنان را نیز به همین سمت و سو هدایت می کند. قرآن کریم، اسراف کاران را مفسدانی می داند که از آنان انتظار اصلاح گری نمی رود. از این رو، نباید از شیوه زندگی آنان تقلید شود.

«وَلا تُطیعوا أمرَ الْمُسرِفینَ الذینَ یُفْسِدونَ فِی الارضِ وَ لا یُصْلِحُونَ».

«و فرمان اسراف کاران را پیروی مکنید؛ آنان که در زمین فساد می کنند و اصلاح نمی شوند.»

اسراف و تبذیر، سقوط معنوی و دور شدن آدمی از مقام قرب الهی را در پی دارد. محرومیت اسراف کاران و تبذیر کنندگان از دوستی و هدایت خاص خدا و گمراهی و هم سانی با شیاطین، از پیامدهایی است که قرآن کریم به آن اشاره می کند.

در بیان قرآنی، تبذیر کنندگان، نعمت های الهی را کفران می کنند و مصرف آن را از مسیر اصلی و درست خود خارج می سازند. بر این اساس، آنان را برادران شیطان می داند. در نتیجه، یا اعمالشان همردیف کارهای شیطانی است و یا در دوزخ هم نشین شیطان خواهند بود.

زیاده روی در لذت های جسمانی، مجالی برای اندیشه در کمالات معنوی و انسانی و توجه به بعد روحی باقی نمی گذارد و راه را برای تهذیب اخلاقی می بندد. پرداختن به تجملات و کام جویی ها، همواره با ناشایستی های اخلاقی و رفتاری همچون فخر فروشی و خود برتربینی و بی بندوباری همراه خواهد بود. از این رو، قرآن کریم، مترفان را مفسد و فاسق معرفی می کند و هشدار می دهد:

«چون بخواهیم شهری را نابود سازیم، خوشگذرانانش را فرمان می دهیم تا در آن به انحراف [و فساد] بپردازند. در نتیجه، عذاب بر آن (شهر) لازم می شود. پس آن را (به تمامی) نابود می کنیم.

راه های برون رفت از اسراف و تبذیر

یکی از شیوه های مهم آموزه های دینی، برای مقابله با مفاسد اقتصادی و اخلاقی و تحکیم ارزش های دینی، تقویت باور انسان ها به مبدأ و معاد است. این اعتقاد همچون ناظری درونی، اجرای صحیح دستورهای الهی را تضمین می کند. آیه های مربوط به اسراف، با نهی و نکوهش اسراف و تبذیر، سقوط معنوی و عذاب اخروی اسراف کاران را خاطرنشان می سازد. پیشوایان معصوم «علیهم السلام» نیز در روایت هایی، با یادآوری پیامدهای اخروی اسراف، همگان را از این عمل ناشایست باز می دارند. امام علی «علیه السلام» می فرماید: «بدانید که بخشیدن نابه جای مال، تبذیر و اسراف است که قدرت بخشنده را در دنیا بالا می برد و در آخرت پایین می آورد. او را در دیده مردمان گرامی می کند و نزد خدا خوار.»

تقویت ارزش هایی چون زهد، قناعت، میانه روی و مانند آن، از یک سو و ترغیب به مبارزه جدی با هواپرستی، خودنمایی و فخر فروشی از سوی دیگر، شیوه های درمان درونی اسراف و تبذیر است. یکی دیگر از عوامل بروز اسراف و تبذیر، جهل و ناآگاهی است. بنابراین، اطلاع رسانی و دادن آگاهی های صحیح و کافی درباره موضوع به مردم و نیز بازشناسی آثار و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و معنوی آن، در کاهش روحیه اسراف کاری بسیار مؤثر است. همچنین، نظارت همگانی بر رفتار و اعمال آدمی که در آموزه های دینی با تعبیر امر به معروف و نهی از منکر از آن یاد می شود، از کارآمدترین شیوه های تثبیت ارزش ها و مقابله با مفاسد و انحراف هاست.

امامان معصوم «علیهم السلام» نیز گاهی با نهی صریح و مستقیم و زمانی با واکنش های اخلاقی، بر این مهم نظارت داشتند. افزون بر این، خانواده تأثیر بسیار مهمی بر پرورش شخصیت و عملکرد فردی و اجتماعی آدمی دارد. چنانچه بزرگسالان اهل اسراف و تبذیر باشند، خواه ناخواه این روحیه به فرزندان منتقل می شود. ائمه معصوم «علیهم السلام» با دیدن اسراف و تبذیر در خانواده ها، واکنش مناسب و به موقع از خود نشان می دادند. در حدیثی آمده است که امام صادق «علیه السلام» میوه ای را دید که ناخورده، بیرون خانه ای انداخته شده است، ایشان با ناراحتی فرمود:

این چیست؟ اگر شما خود سیر بودید، قطعا بسیاری از مردم سیر نیستند. آن را به کسی بخورانید که نیازمند است.

نبود عدالت اقتصادی و جلوگیری نکردن از انباشته شدن ثروت در دست عده ای خاص، از عوامل مهم بروز پدیده اسراف است.

از این رو، اجرای عدالت و توزیع عادلانه ثروت، زمینه شروع و گسترش آن را می کاهد و یا نابود می سازد. امیر مؤمنان علی «علیه السلام» عامل اصلاح و ساماندهی امور جامعه را دادگستری می داند و می فرماید: «الرَّعِیةُ لا یُصْلِحُها اِلاّ الْعَدْلُ»؛ «توده های مردم را جز عدالت، اصلاح نکند».

یکی دیگر از راه های برون رفت از اسراف، دوری خواص و شخصیت های مهم جامعه از زندگی اشرافی و تجملی است؛ زیرا شیوه زندگی آنان بر دیگران تأثیر می گذارد. هنگامی که برای رسول خدا «صلی الله علیه و آله» نوشیدنی بسیار گوارایی آوردند، فرمود: «آن را از من دور سازید که این نوشیدنی مترفان است».

ناگفته نماند که کنترل صحیح تبلیغات بازرگانی و پیش گیری از رشد روحیه مصرف گرایی نیز تأثیر بسزایی در جلوگیری از اسراف و تبذیر دارد. بنابراین، توجه جدی به این مقوله نیز حائز اهمیت است.

امکانات مادی و خودمانی

روحیه مصرف گرایی و رفاه زدگی و به تعبیر قرآن (اتراف) کم کم در آدمی شکل می گیرد. قرآن کریم، مترفان را اصحاب دوزخ می داند و سپس اسراف کاران را نیز همردیف آن ها می بیند و می فرماید: «وَ اِنَّ المُسْرِفینَ هُمْ اصحابُ النّار»؛ «اسراف کاران، همدمان آتشند».

چنان که در جای دیگر فرموده است:

«وَ أصْحابُ الشِّمالِ ما أصْحابُ الشِّمالِ... اِنَّهُم کانُوا قَبْلَ ذلِکَ مُتْرَفینَ».

«و یاران چپ، کدامند یاران چپ، اینان بودند که پیش از این، ناز پروردگان بودند.»

در روایت ها نیز استفاده نابه جا از امکانات مادی، به قصد فخر فروشی و خودنمایی نکوهش شده است. از پیامبر اسلام «صلی الله علیه و آله» نقل است: «هر کس جامه ای بپوشد و با آن فخرفروشی کند، خداوند او را از لبه دوزخ به قعر آن فرو خواهد برد».

نیز می فرماید:

«هر کس برای خودنمایی و ستایش دیگران ساختمانی سازد، روز قیامت، در حالی آن را حمل خواهد کرد که چون آتشی شعله ور، بر گردنش آویخته است و به آتش افکنده خواهد شد... گفته شد: ای رسول خدا! چگونه آن را برای خودنمایی و ستایش جویی می سازد؟ فرمود: فراتر از حد نیاز می سازد تا بر همسایگانش برتری جوید و به برادرانش فخر فروشد.

از سوی دیگر، قرآن کریم برای نفی چنین رفتاری و پرهیز از الگوگیری از آن، دستور می دهد که هرگز از اسراف کاران پیروی نکنید: «و لا تُطیعُوا اَمْرَ المُسْرِفینَ» (شعرا: 151) در روایت های بزرگان نیز چشم دوختن به کسانی که از سطح زندگی بالاتری بهره مندند، نهی شده و تأثیرپذیری منفی از آنان را نکوهش می کنند. امام باقر «علیه السلام» می فرماید:

«ایّاکَ أنْ تَطْمَحَ بَصَرَکَ إلی مَنْ فَوْقَکَ»؛ «بپرهیز از این که به بالاتر از خود [در امور مادی] چشم بدوزی».

پی نوشت ها:

1. ابن فارس، معجم مقایس اللغه، ج 3، ص 153.

2. راغب اصفهانی، المفردات، ص 407.

3. ابن منظور، لسان العرب، ج 4، ص 50.

4. کلینی، اصول کافی، ج 1، صص 459 و 498.

5. محمد مهدی نراقی، عوائد الایام، ص 222.

6. کلینی، فروع کافی، ج 4، ص 52.

7. مجمع البیان، ج 3 و 4، ص 638.

8. فروع کافی، ج 4، ص 53.

9. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص 359.

10. فروع کافی، ج 6، ص 460.

11. طوسی، تهذیب الاحکام، ج 1، صص 136 و 137.

12. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 16، ص 498.

13. فروع کافی، ج 6، ص 441.

14. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج 2، ص 13.

15. مجمع البیان، ج 7 و 8، ص 310.

16. فروع کافی، ج 6، ص 531.

17. طوسی، الامالی، ص 285.

18. طوسی، تهذیب الاحکام، ج 6، ص 171.

19. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 13.

20. همان، صص 11 و 12.

21. اصول کافی، ح 2، ص 137.

22. بحارالانوار، ج 100، ص 21.

23. فروع کافی، ج 4، ص 52.

24. سوره شعراء (26) آیات 151 و 152.

25. تفسیر عیاشی، صص 273 و 274.

26. وسائل الشیعه، ج 16، ص 619.

27. سوره اسراء (17) آیه 16.

28. همان، ص 618.

29. نک: انعام: 141؛ مومن: 28 و اسراء: 26.

30. نک: اسراء: 27.

31. نهج البلاغه، خطبه 126.

32. نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الاسلام، ج 2، ص 115.

33. سوره مؤمن (40) آیه 43.

34. سوره واقعه (56) آیات 41 و 45.

35. غرر الحکم و درر الکلم، ص 34.

36. وسائل الشیعه، ج 16، ص 613.

37. جواد ایروانی، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، صص 234 - 268.